

روزی که صداها را دیدم

مجید میرزاویری

انتشارات

آهنگ قلم

زمستان ۱۳۹۴

تقدیم به دستان سبز دکتر سید حسن هاشمی

سرشناسی: میری، حمید.

عنوان و نام پدیدآور: ری کد سداها / مجید میرزاویری.

مشخصات نشر: مشهد، سنگ و آهک، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۵-۱۲۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴

رده بندی کنگره: PIR ۸۰۶۴ الف / م ۴۶۷

رده بندی دیویی: ۶۸۲/۶۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۸۴۶۳۵

روزی که صداها را دیدم

مجید میرزاویری

طراح جلد
نوبت چاپ
سال چاپ
شمارگان
قطع
چاپخانه
لیتوگرافی
صحافی
شابک
قیمت

جلد
م/ا
ناشر
۹۳
مست
۱۰۰۰
رقعی
میثاق
گویا اسکندر
پارسیان
۹۷۸-۶۰۰-۲۲۵-۱۲۴-۴
۱۲۰۰۰ تومان



آهنگ قلم با همکاری شهر ریاضی
مشهد/ کدپستی ۹۱۳۵۹۶۳۷۱۹
۰۵۱۳۷۶۴۳۷۳۰۹ - ۰۹۱۵۳۲۹۱۹۰۶

info@ahangeghalam.ir
www.ahangeghalam.ir

ما را دنبال کنید



ناشر
نشانی ناشر
تلفن
پست الکترونیکی
سایت

مقدمه‌ای بر چاپ جدید

پس از آن که کتاب‌های ریاضی-داستانی من تعدد یافت و خواننده‌های خود را پیدا کرد، انتشارات آهنگ قلم که تعداد قابل توجهی از کتاب‌های مرا به چاپ رسانده است پیشنهاد چاپ مجدد کتاب‌ها را به من داد. حقیقت امر این است که همیشه معتقد بودم به جای چاپ مجدد یک کتاب، می‌توان کتابی جدید را منتشر نمود و حس خوبی نسبت به تجدید چاپ نداشتم و آن را نوعی کار تجاری تلقی می‌کردم.

استدلال ناشر محترم مبنی بر این که خواننده‌های دیگری نیز علاقه‌مندند به کتاب‌هایم دسترسی داشته باشند و چاپ یک کتاب با تیراژ حداکثر هزار نسخه نمی‌تواند همه مخاطبان را پوشش دهد، باعث شد که چاپ مجدد کتاب‌هایم موافقت کنم.

باز هم درست دارم بنویسم، مخاطبان خود را داشته باشم، نقدهای ایشان را بشنوم و اگر بتوانم باز هم برای مخاطبانم کتاب بنویسم که آنها را با دنیای ریاضیات آشنا کند.

با احترام

مجید میرزاویزی

آثار دکتر مجید میرزاویری همیشه در میان مخاطبین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و علی‌رغم گذشت چندین سال از چاپ نخست این آثار همچنان مخاطبان خود را حفظ نموده است. با توجه به این حقیقت انتشارات آهنگ قلم برآن شد تا این آثار را مجدداً منتشر و در اختیار علاقمندان قرار دهد. این مهم بدون همکاری شهر ریاضی میسر نمی‌شد. شهری برای دوستداران ریاضی، همین نام‌گذاری برای آن که رویکردی خلاقانه از ریاضیات را به تصویر بکشد، کافی است. شهر ریاضی آینه‌ای از یک شهر واقعی است. وجود بخش‌هایی مانند سینما الف - صفر بُعدی، آتلیه موج، کلینیک خلاقیت، آزمایشگاه بازی ریاضی، اوژانس حل مسأله، موزه هندسه، لوازم ریاضی (کتاب فشی و لوازم التحریر)، کافه عدد، نگارخانه ریاضیات، نگارخانه مقالات، سفارت آموزش‌های دیگر، کورس فود (مشابه فست فود)، بانک سؤال و تعمیرگاه مقاله که هر کدام از آنها مبدعان با جایزه‌ای ویژه در خود دارد نشان از یک شهر واقعی در دل ریاضی است. هدف اصلی از نشر آشناسازی و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان و دانشجویان به علم‌ورزی است و آنچه بیشتر مورد نظر است، آن است که افراد بتوانند در فضایی مفرح زندگی کردن علمی را بیاموزند و یاد بگیرند که چگونه می‌توان به تولید علم پرداخت. از همه مهم‌تر این است که بدانیم دانشمندان بزرگ چگونه مرزهای دانش را گسترش می‌دهند. بی‌شک آشنایی علاقمندان به ریاضی - داستان‌ها با شهر ریاضی، آشنایی با دنیای تازه و پوی خواهد کرد. امید است انتشارات آهنگ قلم با همکاری علمی بتواند پلی باشد بین دوستداران ریاضی و دنیای داستان‌های ریاضی.

فرخنده فاضل بخششی

مدیر نشر آهنگ قلم

دیباچه

بدیهی است هر نه‌سند از این که نوشته‌اش مورد تعریف و تمجید قرار گیرد خوشحال می‌شود، اما من • مقدم نقدی که به بررسی ضعف‌ها بپردازد باعث جلوگیری از تکرار کاستی‌ها خواهد شد. شنیدن ایرادها، عملاً نتیجهٔ بهتری از تعارفات و تمجیدها دارد. از این رو تصمیم گرفته بودم که تا وقتی نقدی بر کتاب قبلی خود ندیده‌ام دوباره ننویسم. ولی اتفاقی که در زندگی‌ام رخ داد باعث تألیف زودهنگام داستان حاضر شد.

اگر این حکایت را حتی از زبان یک دوست می‌نویسم باور نمی‌کردم و می‌پنداشتم جزئیات جور آمده در این واقعه، همانند داستان‌های رؤیا گونه‌ای است که کودکان در بازی‌های خود سرهم می‌کنند. اما واقعیتی که زندگی مادرم، بتول کرباسفروشان، را دگرگون ساخت محکم‌تر از آن بود که دروغ یا تخیل تلقی شود. کسانی که کتاب‌های قبلی مرا خوانده بودند می‌پرسیدند چرا رویداد معجزه‌آسای زندگی مادرم را نمی‌نویسم و من پاسخی بر اصرار آن‌ها نداشتم. می‌دانم که وظایف دیگری در زندگی کوچک علمی خود دارم که باید به آن‌ها بپردازم و شاید در انجام آن‌ها تعلل ورزیده‌ام، اما هر بار به خود می‌گویم انجام کارهای روزمره

باشد برای بعد و انگار نیرویی مرا به این گونه کارها وادار می کند. به هر حال هر کسی به چیزی علاقه دارد و من همواره بر این باور بوده‌ام که پرداختن به علاقه‌ها به مراتب دلنشین‌تر از دست و پا زدن در طوفان روزمرگی‌های زندگی است.

کسانی هستند که وقتی از موضوعی بی اطلاعند آن را بیهوده می‌پندارند و تعریف آن‌ها از علم، و شاید هنر، فقط آن چیزهایی است که خودشان بدان می‌پردازند و غیر از آن را نه علم می‌دانند و نه هنر. من نه تنها کار آنان که قضایای مجرد ریاضی را با لذتی زایدالوصف خلق می‌کنند تقبیح نمی‌کنم، بلکه خود نیز به جنبه‌های مجرد ریاضیات عشق می‌ورزم. اما معتقدم پرداختن به آن مهم نیست و ارزش و ذائقه دیگری که در برابر اجتماع داریم باز دارد. شعر می‌تواند بخش احساسی مغز ما را نوازش دهد و ریاضیات، اقلیم منطقی ذهن را بارور می‌سازد. پرداختن به یکی از این دو، مانع دیگری نخواهد شد. با این حال کسی که تنها یکی از این دو توانایی را در اندیشه خود شناسایی کند مورد احترام است و به هر کدام بپردازد به دیگری نیز، خواهد یافت.

خواندن کتاب حاضر به سختی از گشت به منزل آخر نیست و داستان به سادگی پیش می‌رود، چرا که این با سعی داشته‌ام داستانم مخاطبان بیشتری داشته باشد. تنها چیزی که ممکن است مشکل باشد استفاده از اعداد به جای اسامی است که چون تعداد اعداد کلیدی زیست تا کمتر است نباید به خاطر سپردن آن‌ها سخت باشد. به هر حال فهرست انتهای کتاب، خواننده را دریافتن مکانی که عدد مورد نظر برای اولین بار به ظاهر شده کمک خواهد کرد. البته شاید ذکر نکته‌ای کوچک در مورد حساب در مبنای ۵ بد نباشد. منظور از $(abcd)_5$ عدد $125a + 25b + 5c + d$ می‌باشد و مثلاً $(2130)_5$ یعنی $0 + (5 \times 3) + (25 \times 1) + (125 \times 2)$ که همان ۲۹۰ است. همچنین $(bcd)_5$ برابر $25b + 5c + d$ می‌باشد و مثلاً $(311)_5$ یعنی $1 + (5 \times 1) + (25 \times 3)$ که همان ۸۱ است.

از دوست گرانمایه‌ام دکتر مسعود زمانی که با دقت و حوصله بسیار، پیش نوشته‌های مرا خواند و علاوه بر ویرایش ادبی، نکاتی ظریف را در نوشتن داستان به

من گوشزد کرد، متشکرم. همچنین از وحید عرفانیان که این بار هم با طرح زیبای خود برای جلد کتاب، آن را زیبا نمود تشکر می‌کنم.

همچنین از آقایان پوریا پزشکی و سیاوش خالدان و خانم‌ها مبینا انتظاری، هدی حیدری، سمانه صمیمی، مهشید علایی، نوشین میرزاده و یاسمن واقعی که نسخه اولیه کتاب را مطالعه نمودند، ممنونم. در حقیقت پیشنهادهای جالب ایشان باعث ایجاد تغییراتی اساسی در داستان گردید.

طبق معمول دوست داشته‌ام که ردپایی از ریاضیات در نوشته‌ام بیاید و گرچه اصل داستان واقعی است، ظهور ریاضیات در برخی جاها آن را کمی رؤیایی کرده است. از خدایندگان خوبی که خطاهایم را می‌بینند و بی‌تعارف، از طریق پست الکترونیکی mirzavaziri@th.um.ac.ir آن‌ها را به من گوشزد خواهند کرد. بسیار سپاسگزارم.

مجید میرزاویری

تابستان ۱۳۸۴

فهرست

i	۵	دیباچه
۱	۱	کودکی
۱۹	۲	سرخ آبی
۳۱	۳	آخرین ماه تابستان
۴۵	۴	طوطی
۵۹	۵	ذره
۶۷	۶	بازگشت به منزل آخر
۷۹	۷	ردپای معجزه